

زمینه های سیاسی شکل گیری مهاجرت علویان به ایران در دوره عباسی و تاثیر آن بر گسترش تشیع

زهرة دهقان پور (نویسنده مسئول) ^۱علی بیات ^۲ اصغر قائدان ^۳

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2021.7818.1115](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.7818.1115)

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۱۸

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

بررسی زمینه های سیاسی شکل گیری مهاجرت علویان به ایران و به تبع آن گسترش اسلام با قرائت شیعی در بین ایرانیان در دوره عباسی، و به طور خاص قرن سوم هجری، مساله پژوهش حاضر است. آن طور که از اطلاعات منابع برداشت می شود یکی از علل رشد گروه ایرانیان به اسلام و مخصوصاً اسلام با قرائت شیعی در دوره عباسی؛ ولیعهدی امام رضا(ع) و حضور ایشان و دیگر مهاجران علوی در ایران است. سوال پژوهش حاضر آن است که سیاست در پیش گرفته شده به وسیله خلفای عباسی چه تاثیری در شکل گیری مهاجرت علویان داشته و این مهاجرتها چگونه بر گسترش تشیع در ایران موثر واقع شده است؟ فرضیه مطرح در این پژوهش آن است که سیاست مذهبی خلفای عباسی و بستر سیاسی فراهم شده به وسیله آنان، به لحاظ تهدیدها(دوره منصور، هارون، متوکل) و فرصت ها(دوره مامون)، زمینه را در درجه اول برای هجرت امام رضا(ع) و علویان و در ادامه، برای انجام فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنان آماده ساخت و زمینه ساز تحولات مهم فرهنگی در ایران گردید. مهاجران در بستر سیاسی موجود با انجام فعالیت های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، زمینه ساز تلاوم و

^۱ - استادیار گروه ایرانشناسی، دانشگاه میبد؛ dehghanpour@meybod.ac.ir

^۲ - دانشیار گروه تاریخ و تمدن، دانشگاه تهران؛ abayat@ut.ac.ir

^۳ - دانشیار گروه تاریخ و تمدن، دانشگاه تهران؛ qaedan@ut.ac.ir

گسترش تشیع در ایران گردیدند و می توان حضور آنان را به عنوان یکی از عوامل موثر بر گسترش تشیع در ایران مطرح کرد. بررسی زمینه های سیاسی شکل گیری مهاجرت (به عنوان پدیده ای اجتماعی) و تاثیر آن بر مسائل فرهنگی (گسترش تشیع) مورد توجه پژوهش حاضر است. نگارنده بر آن است که طرح نظریه "طبقات خاصه و عامه" پاسخ گوی تأثیر مهاجرت ها بر گسترش تشیع در بین ایرانیان است. با این توضیح که شرایط سیاسی و اجتماعی موجود، بستر مناسب برای فعالیت های فرهنگی مهاجران و در نتیجه، گسترش تشیع و رسوخ آن در بین "طبقه خاصه" و به ویژه "طبقه عامه" جامعه را فراهم ساخت. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه ای و با استفاده از منابع متعدد اسلامی و شیعی است.

واژگان کلیدی: مهاجرت علویان، تشیع، امام رضا(ع)، زمینه سیاسی، دوره عباسی، ایران.

طرح مسأله

مسأله مطرح شده در این پژوهش، در مرحله اول به بررسی تأثیر زمینه های سیاسی بر شکل گیری پدیده های اجتماعی همچون مهاجرت علویان و در مرحله بعد به بروز تغییر و تحولات فرهنگی در ایران قرن سوم هجری در نتیجه مهاجرتها می پردازد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که چرا و چگونه سیاست های اتخاذ شده به وسیله خلفای عباسی، مهاجرت امام رضا(ع) و دیگر علویان به ایران را رقم زد و در ادامه این امر چگونه بر گسترش تشیع در بین ایرانیان تاثیر گذارد؟

سیاست مذهبی خلفای عباسی به ویژه منصور، هارون، متوکل و مامون زمینه را در درجه اول برای هجرت امام رضا(ع) و علویان و در ادامه، برای انجام فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنان آماده ساخت و زمینه ساز تحولات مهم فرهنگی در ایران گردید. در این پژوهش، "نظریه طبقات خاصه و عامه" طرح شد و علویان مهاجر و به طور خاص امام رضا (ع) و مهاجرانی که همراه یا بعد از ایشان دست به مهاجرت زدند به عنوان یکی از عوامل گسترش اسلام و تفکر شیعی در بین طبقات عامه ایران آن روزگار مطرح شدند.

همان طور که قبلا نیز اشاره شد منظور از زمینه های سیاسی، سیاست های خاص اتخاذ شده

به وسیله خلفای عباسی در قبال علویان است که نهایتاً منجر به مهاجرت آنان به مناطق مختلف و از جمله ایران گردید.

ادبیات تحقیق

در بحث از هر دو مبحث مهاجرت علویان و گسترش تشیع در ایران به طور جداگانه، و یا به شکل تأثیر متغیر اول (مهاجرت) بر متغیر دوم (گسترش)؛ تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد اثری مستقل در دست نیست و آثار و تألیفاتی که در این زمینه تالیف شده است همچون مقاله ای با عنوان "نقش علویان در گسترش تشیع در نیشابور" اثر ولوی و دشتی (۱۳۹۰) یا بخشی از کتاب تاریخ تشیع در ایران اثر رسول جعفریان (۱۳۸۶: صص ۲۳۳-۲۴۰) و کتاب نقشی از سادات در تاریخ ایران تالیف محتشم (۱۳۸۶) بیشتر به یکی از جنبه های سیاسی، فرهنگی و یا اجتماعی پرداخته شده و ارتباط بین سیاست و فرهنگ و تأثیر پذیری (خواه مثبت یا منفی) فرهنگ از سیاست و نهاد قدرت و حاکمیت و سوال اصلی پژوهش حاضر مورد توجه آنها قرار نگرفته است. لازم به ذکر است که نگارنده خود نیز سالها در این حوزه مطالعه می کند و پایان نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری خود را به بحث مهاجرت اعراب در دوره اموی و مهاجرت علویان در دوره عباسی اختصاص داده و هر دو اثر مذکور طی سالهای ۱۳۹۷ (اعراب در ایران (۱) و ۱۳۹۹ (اعراب در ایران (۲) در انتشارات دانشگاهی به چاپ رسیده است. در پژوهش حاضر نیز نگارنده تلاش کرده است با نگاهی متفاوت، به مقوله فرهنگ بنگرد و سیاست اتخاذ شده به وسیله حاکمان را به عنوان پایه و مبنایی برای تغییرات اجتماعی (مهاجرت) و در ادامه تحولات فرهنگی (گسترش تشیع) قرار دهد.

۱. زمینه های سیاسی شکل گیری مهاجرت علویان به ایران

۱-۱. سیاست مذهبی خلفای عباسی

در مورد علت و زمان پراکندگی سادات و علویان در دیگر سرزمین ها و از جمله ایران، نظرهای متفاوتی وجود دارد. ابوالفرج اصفهانی زمان پراکندگی آنان را به دوره خلافت متوکل (۲۴۷-۲۳۲) و به علت سختگیری او بر علویان می داند (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۷۶-۴۷۸؛ همچنین نک: آملی، ۱۳۴۸: ۷۷؛ ابن اسفندیار، بی تا: ۲۲۶، ۲۲۴). اولیاءالله آملی هجرت آنان را به طبرستان به هنگام خلافت مأمون و شهادت امام رضا (ع) می داند. وی درباره علت

حضور علویان در طبرستان و اطراف آن همچون طالقان، قومس، دیلمان و غیر آن می گویند: "... چون ایام دولت مأمون خلیفه بود و خلافت بدو قرار گرفت و ممکن گشت، در تربیت سادات علویه می کوشید" (۱۳۴۸: ۷۹) "چون به ولی عهدی امام در مدینه خطبه خوانده شد و این خبر در عالم فاش شد سادات علویه از اطراف شام و حجاز و عراق و یمن و مدینه و هر جا که بودند روی به خراسان نهادند تا با رضا (ع) بپیوندند" (همان: ۸۱). رابینو نیز پس از اشاره به تعداد زیاد سادات در مازنداران، پناهنده شدن بعضی از منسوبان امام رضا به دیلمان و طبرستان را بعد از شهادت ایشان می داند (رابینو، ۱۳۳۶: ۳۰-۳۱).

عباسیان که به تعبیر خود، "به خاطر پسر عموهای خویش خشم آورده" و قیام کرده بودند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۲۶/۷)، بیش از امویان، علویان را آزرند (نک: همان: ۵۱۷/۷ به بعد؛ یعقوبی، بی تا: ۴۰۴/۲؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۲۶/۳؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۵۱۴/۵ به بعد؛ ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۷۶ به بعد؛ املی، ۱۳۴۸: ۷۷، ۷۹). این برخوردهای خشونت آمیز تا زمان متوکل به اوج رسید و در دوره مستعین (۲۴۸-۲۵۲ ق) و به دنبال آن، تا قیام علویان در طبرستان (۲۵۰ ق) و سالهای بعد ادامه یافت. تأثیر قدرت و سیاست مذهبی حاکمان در انتقال، گسترش و یا بازدارندگی فکر و فرهنگ بر کسی پوشیده نیست (نک: برتران، ۱۳۷۶: ۶۱-۶۲؛ بشیریه، ۱۳۷۸: ۲۹، ۷۴) و دوره عباسی نیز به عنوان یکی از دوره های طولانی، مهم و تأثیر گذار تاریخ اسلام از این قاعده مستثنی نمی باشد.

این گزارش تاریخ روایان به خوبی گویای تأثیر نقش خلفا بر هجرت علویان و پیامدهای آن است: "...بدانکه چون ایام دولت مأمون خلیفه بود و خلافت بدو قرار گرفت و ممکن گشت در تربیت سادات علویه می کوشید و دایم مذمت پدرش هرون می کرد...". (املی، ۱۳۴۸: ۷۹-۸۰) غرض آنکه مأمون پدر خود را بدان حرکت های ناپسندیده ملامت ها کردی و به مدینه فرستادی علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه را پیش خود آورد... چون این خبر در عالم فاش گشت سادات علویه از اطراف شام و حجاز و عراق و یمن و مدینه و هر کجا بودند روی به خراسان نهادند تا به رضا (ع) بپیوندند و فی الجمله سادات علویه [به] سبب آوازه ولایت عهد و حکومت امام رضا (ع) روی بدین طرف نهادند... چون خبر غدیری که با رضا (ع) کرده به راه سادات رسید هر جا که بودند پناه به کوهستان دیلمان و طبرستان و ری نهادند بعضی را همین جا شهید کردند و مزار ایشان باقی است و بعضی وطن ساخته همین جا مانده تا به عهد متوکل خلیفه که ظلم او بر سادات از حد در نگذشت بگریختند و در کوهستان طبرستان و بیشه این طرف جای ساختند... (همان: ۸۰-۸۴؛ همچنین نک: همان: ۸۵-۸۶).

۱-۱-۱. مأمون و ماجرای ولیعهدی

هدف این بخش از پژوهش، نه بحث از انگیزه های مأمون که بررسی تأثیر ولیعهدی و هجرت امام رضا(ع) و به دنبال آن، مهاجرت سادات و علویان بر گسترش تشیع در ایران است. این گفتار به این مهم می پردازد که شرایط سیاسی زمان مأمون چه تأثیری در ایجاد فضای مناسب برای گسترش تشیع داشت. به تعبیر دیگر، سیاست مذهبی متفاوت وی در بین خلفای عباسی که ابتدا منجر به هجرت و ولیعهدی امام رضا(ع) شد در ادامه چه پیامدهایی به لحاظ اجتماعی و فرهنگی برای ایران و ایرانیان به دنبال داشت.

مأمون با توجه به شرایط خاص اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ای که با آن مواجه بود و با در نظر گرفتن جایگاه امام در دنیای اسلام آن روزگار، به ویژه در بین شیعیان که عامل اصلی قیام ها بودند، پیشنهاد ولیعهدی را مطرح ساخت. وی اولین کسی است (در میان خلفای عباسی) که با توجه به این واقعیت کوشید خلأ موجود میان علوی ها و عباسی ها را از بین ببرد یا به تعبیر دیگر، علوی ها را از مردم جدا کرده به عباسیان پیوند دهد تا بتواند ریشه این قیام ها را از بیخ و بن بر کند(جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

هنگامی که بنی هاشم به مأمون اعتراض کردند که چرا ولایتعهدی را به امام رضا(ع) واگذار کرده است، مأمون در پاسخ گفت: "در باره بیعت من با علی بن موسی با توجه به شایستگی و استحقاق او برای این امر و این که من خود او را برگزیده ام، جز این نمی خواسته ام که با ادامه دوستی و محبت میان ما و آنان، از شما حمایت و از ریختن خون هایتان جلوگیری کنم و این راهی است که در اکرام خاندان علی و دل سوزی و مواسات می سپرم و این جبرانی است اندک بر آن همه مصائبی که به آنان رسیده است ... "(مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۳/۴۹؛ همچنین برای اطلاع از انگیزه مأمون از ولیعهدی از زبان وی نک: قندوزی، ۱۴۱۶: ۳/۳۷۵؛ همچنین برای اطلاع از دیدگاه های مختلف درباره انگیزه مأمون و سیاست مذهبی خاص وی در قبال علویان و امام رضا(ع) نک: دهقان پور و بیات، ۱۳۹۹: ۲۰۷). در ابتدا، سیاست مذهبی و سخت گیری خلفای عباسی بر علویان، زمینه ساز مهاجرت آنان به ایران شد. فراهم شدن بستر سیاسی از طرف مأمون؛ زمینه را برای فعالیت های متعدد فرهنگی، اجتماعی فراهم ساخت.

۲. تأثیر مهاجرت علویان بر گسترش تشیع در ایران

منابع موجود در موضوع مهاجرت علویان که بیشتر تواریخ عمومی، منابع انساب، مقتل ها و

تواریخ محلی و ... را در بر می گیرند؛ چند دوره شاخص و مهم برای مهاجرت علویان به ایران به دست می دهند. پنج دوره و به عبارتی پنج عامل تعیین کننده در مهاجرت علویان به ایران موارد زیر را شامل می شود:

الف. مهاجرت و ولیعهدی امام رضا (ع) در ابتدای قرن سوم و ابتدای دوره مورد نظر این

پژوهش

ب. دوره متوکل (۲۴۷-۲۳۲ ه.ق) و سخت گیری های وی بر علویان

پ. قیام یحیی بن عمر در کوفه (۲۵۰ هجری)

ت. تشکیل دولت علویان در طبرستان در اواسط قرن سوم هجری

ث. حضور اسماعیلیان در ایران (حدود ۲۶۰ هجری)

دلیل برشمردن پنج عامل و پنج دوره بالا، ارائه شاهی بر ادعای تأثیرگذاری سیاستهای کلی و به طور خاص سیاست مذهبی خلفای عباسی بر مهاجرت علویان به ایران است. در پژوهش حاضر نیز بیشتر، دوره مقارن با ولیعهدی و هجرت امام رضا (ع) و مهاجرت های همزمان و پس از آن مورد توجه است که بخش زیادی از مهاجرت های علویان را با دیدگاهها و اهداف و انگیزه های مختلف در بر می گیرد. جالب توجه آنکه همه پنج مورد پیش گفته، که در نهایت منجر به مهاجرت علویان به ایران گردید؛ نتیجه مستقیم یا غیر مستقیم سیاست مذهبی خلفای عباسی (تهدید یا حمایت) است. به نظر می رسد بیش از هفتاد درصد مهاجران علوی، در حدود فاصله زمانی بین ۲۵۰ تا ۳۵۰ هجری، به خواست خلفا یا با اجبار آنان، به ایران مهاجرت کردند و منشا اثرات بسیاری در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شدند (نک: دهقان پور و بیات، ۱۳۹۹: فصل دوم).

۲-۱. مهاجرت های همزمان با ولیعهدی امام رضا (ع)

در مورد علت و زمان پراکندگی سادات و علویان در سرزمین های مختلف و از جمله ایران، نظر های متفاوتی وجود دارد. بیشتر این گزارش ها مهاجرت علویان را با ولیعهدی و یا شهادت امام رضا (ع) پیوند می دهند (نک: ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۷۶-۴۷۸؛ آملی، ۱۳۴۸: ۷۷؛ ابن اسفندیار، بی تا: ۲۲۶/۱، ۲۲۴). گزارش جالب توجهی در جامع التواریخ رشیدی، مهاجرت سادات اسماعیلی به ایران را نیز با شهادت امام و حوادث پس از آن پیوند می دهد و می نویسد: علی بن موسی الرضا، علیهما السلام، به مدینه بود، تا آنگاه که مأمون او را به خراسان خواند و خلافت

به وی تفویض کرد، به موجب خطی که پیدا و امروز در مشهد طوس است. عاقبت به طوس مسموم وفات یافت؛ هم آنجا مدفون شد. بعد از این عباسیان جهت دعوی امامت به تیغ، تفحص ایشان می کردند. اولاد اسماعیل نیز متواری شدند و از مدینه بعضی بر صوب عراق و خراسان و قومی به جانب مغرب رفتند (رشیدالدین همدانی، ۱۳۸۱: ۶).

در بحث از علویان مهاجر به ایران از قرن سوم هجری به بعد، مهاجرت و ولیعهدی امام رضا(ع)، هم به لحاظ زمانی و هم به جهت اهمیت، به عنوان محور و منشأ مهاجرت بسیاری از علویان مطرح است. از این رو با معیار قرار دادن هجرت و ولیعهدی امام رضا به عنوان مهمترین مهاجرت در دوره مورد نظر این پژوهش، می توان مهاجرت‌های این دوره را به دو دسته مهاجرت‌های همزمان با ولیعهدی و مهاجرت‌های پس از ولیعهدی تقسیم کرد. از جمله مهاجران همراه امام؛ اصحاب، یاران و خادمان ایشان بودند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۶۴/۱، ۲۲۲/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۹/۴۸؛ همچنین برای اطلاع بیشتر از مهاجران همراه امام رضا(ع) نک: دهقان پور و بیات، ۱۳۹۹: فصل دوم).

۲-۲. مهاجرت‌های بعد از ولیعهدی امام رضا(ع)

ادامه سیر مهاجرت‌های سادات و علویان به ایران همزمان با ولیعهدی امام رضا(ع) را باید به مهاجرت‌هایی اختصاص داد که به دنبال هجرت امام و پس از حضور ایشان در ایران، به صورت گروهی یا فردی، انجام شد و در بردارنده مهاجرت‌های افراد خانواده، خویشان و بستگان ایشان، طرفداران دیگر فرق اسلامی همچون زیدیان و ... است (برای اطلاع از جایگاه امام رضا نزد زیدیه و دیگر فرق اسلامی نک: میرحسینی (۱۳۹۲ الف)، "امام رضا (ع) در میراث زیدیه"؛ همو (۱۳۹۲ ب)، "امام رضا و جریان‌های داخلی امامیه"؛ همو (۱۳۹۲ ج)، "تعامل امام رضا(ع) با مهم‌ترین جریان‌های فکری و کلامی غیرشیعی"؛ همو (۱۳۹۲ د)، "مناسبات دوسویه امام رضا(ع) و جریان‌های زیدیه"؛ طبسی، محسن، (۱۳۸۶)، "کرامات امام رضا(ع) به روایات اهل سنت"، طبسی، محمد حسن (۱۳۸۶)، "امام رضا به روایت اهل سنت"

در مورد این گروه از افراد نیز روایات و گزارش‌هایی ضد و نقیض در دست است که کار پژوهش را با دشواری‌هایی رو به رو می کند. از این رو نمی توان آمار دقیقی حتی از خانواده و نزدیکان امام رضا (ع) که به ایران وارد شدند ارائه داد. هرچند مهاجرت برخی از نزدیکان و از جمله خواهران و برادران ایشان و افرادی از گروه‌ها و فرق دیگر به ایران را با توجه به گزارش

های مکرر منابع در این مورد، باید از مسلمات تاریخی دانست.

مهاجرت این گروه از علویان را می توان به دو شکل گروهی، و فردی تقسیم کرد. از جمله مهاجرت های گروهی که بیشتر در برگیرنده نزدیکان آن حضرت و فرزندان امام موسی کاظم (ع) و خواهران و برادران امام رضا (ع) بود، باید به مهاجرت احمد بن موسی، برادر ایشان (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۷/۴۸) و هجرت تأثیرگذار حضرت معصومه (س)، خواهر آن حضرت به همراه عده ای از افراد، اشاره کرد. (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۳ به بعد). از دیگر مهاجران این دوره، زید بن موسی، برادر امام رضا (ع)، است. وی عامل ابوالسرایا بر اهواز بود (علوی، ۱۴۰۹: ۱۱۹) و در سال ۱۹۹ هجری در بصره خروج کرد و خانه های بنی عباس را سوزانید (طبری، ۱۳۸۷: ۵۳۵/۸). مأمون او را به خاطر برادرش، امام رضا (ع)، بخشید و او را نزد امام به خراسان فرستاد (یعقوبی، بی تا: ۴۴۹/۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲۲۱). ابونصر بخاری، زیدالتار را مسموم شده به دست مأمون و قبر وی را در مرو می داند (۱۳۸۱: ۳۷) گزارش هایی نیز از حضور فرزندان زید در دیگر نقاط ایران در دست است (علوی، ۱۴۰۹: ۱۱۹؛ عییلی، ۱۴۱۳: ۱۶۳؛ ابن طباطبای، ۱۳۷۷: ۱۷؛ شوشتری، ۱۳۷۵: ۴۹۹/۱؛ همچنین برای اطلاع از دیگران مهاجران همراه امام رضا (ع) به مرو و مهاجران بعد از ایشان نک: دهقان پور و بیات، ۱۳۹۹: ۶۸ به بعد). مهاجرت های بعد از هجرت و ولیعهدی امام رضا به ایران، که گروهها و افراد مختلف علوی و شیعی را در بر می گیرد، بسیار زیاد و حیرت انگیز است و ارائه فهرستی اجمالی از این افراد نیز مجال و پژوهش دیگری را می طلبد.

۳. زمینه های فرهنگی تداوم و گسترش تشیع

۳-۱. فعالیت های فرهنگی امام رضا (ع) و شاگردان

۳-۱-۱. برگزاری جلسات مناظره

دوران امامت امام رضا (ع) را برای همیشه تاریخ به عنوان عصر مناظره میان ادیان جهان دانسته اند دوره ای که شخص امام در جلسه مناظره عمومی پیشوایان مذاهب و ادیان عالم، به عنوان سخنگوی اسلام حضور می یافت (در مورد مناظره امام با اصحاب ادیان نک: ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/۱۳۹ به بعد ۱۷۱ به بعد؛ همچنین نک: ساشادینا، ۱۳۸۰: ۸۳ - ۸۶؛ ضیغم زیدی، ۱۳۹۰: ۱۵۹ - ۱۹۰؛ در مورد اخلاق مناظره امام نک: سپهری، ۱۳۹۲: ۱۳۶/۲؛ برای اطلاع از معانی لغوی و اصطلاحی مناظره نک: مجیدی، ۱۳۹۲: ۹ - ۴۰).

یکی از شیوه های تبلیغی ائمه معصوم(ع)، تربیت شاگردان و مجهز کردن شیعیان به فن احتجاج، مناظره، و تأکید ایشان بر متبحر ساختن شاگردان به بحث ها و حوزه های علمی مختلف و انجام مناظره های تخصصی بوده است. به طوری که پس از بروز درگیری زمامداران حکومت با یکدیگر و کاهش فشارهای حکومتی بر امامان معصوم و شیعیان، تلاش برای تربیت شاگردان متبحر در علم فقه، کلام، اصول اعتقادی، پاسخ به شبهات و نظایر آن از سوی ائمه آشکار تر شد(سپنجی، ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۳۱). شاگردان امام نیز از این ابزار، برای هدایت افراد و انتقال مفاهیم اسلامی و شیعی به غیرمسلمانان و غیر شیعیان استفاده می کردند(نک: نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۵۲؛ احمدی، ۱۳۷۱: ۱۱۶). گزارشی از مناظره چهار نفر از علمای اسلام در حضور مأمون و احتمالاً با حضور امام رضا در دست است(ابن اسفندیار، بی تا: ۲۰۵). نتیجه آن مناظره "رساله المامونیه" نام گرفت(همان). گزارشی هم از مناظرات امام رضا(ع) در منابع زیدی می توان یافت که از جمله آنها تمسک به محتوای مناظره حضرت رضا(ع) با عمران صابی است(المتوکل علی الله، ۲۰۰۳: ۱۶۰؛ قس: میرحسینی، ۱۳۹۲: ۳۷۵؛ در مورد محتوای این مناظره که بیشتر ناظر به بحث آفرینش و رابطه خدا و مخلوقات است نک: کمپانی زارع، ۱۳۸۷: ۵۴-۵۸).

۳-۱-۲. تربیت شاگردان

مسأله مهم در نشر دعوت اسلامی که اسلام را از دیگر ادیان و نحل و دعوت‌هایی که انتشار سریع و گسترده داشته اند ممتاز می کند این است که عوامل تبلیغ اسلام، توده مردم بوده اند نه یک دستگاه طویل و عریض تبلیغاتی (مطهری، ۱۳۶۸: ۴۱۴). در کتاب های رجال برقی و رجال طوسی، راویان امام رضا(ع) با عنوان اصحاب امام علی بن موسی الرضا فهرست شده اند(نک: طوسی، ۱۴۱۵: ۳۴۹ به بعد؛ برقی، ۱۳۴۲: ۵۴ به بعد). در باب نهم کتاب برقی که به اصحاب امام رضا(ع) اختصاص یافته است: اصحاب امام صادق(ع) که امام رضا(ع) را هم درک کرده اند بالغ بر ۶ راوی(همان: ۳۵)، اصحاب امام موسی بن جعفر(ع) که امام رضا(ع) را هم درک کرده اند بالغ بر ۹ راوی و اصحابی که از امام رضا(ع) روایت نقل کرده اند بالغ بر ۴۷ راوی است(همان؛ قس: رحمان ستایش، ۱۳۹۲: ۳۴/۱). شیخ طوسی نیز باب نهم کتابش را به ذکر اصحاب امام رضا(ع) اختصاص داده است. وی در این باب تعداد ۳۲۹ عنوان را ذکر کرده است. به اعتقاد شیخ طوسی این اشخاص از امام روایت دارند(همان). جامع ترین اثر در این موضوع در عصر حاضر، تألیف شیخ محمد مهدی نجف در دو جلد است. عطاردی نیز در مسند الامام الرضا علیه السلام

به ذکر راویان و شاگردان امام رضا(ع) پرداخته است(همچنین نک: شوشتری، ۱۳۷۵: ۳۹۶/۱ به بعد). کسانی که بدون واسطه از امام مطالبی را شنیده و نقل کرده اند ۳۶۰ نفر بوده اند(خدایی، ۱۳۸۴: ۴۸) و تنها راویان ایرانی امام یا کسانی که در ایران از امام مطالبی را شنیده و نقل کرده اند نیز ۱۸۰ نفر می باشند(همان؛ همچنین نک: میرخانی، ۲۵۳۷: ۲۳۲ به بعد؛ حسینی، ۱۴۳۳: ۳۰-۴۰).

۳-۱-۳. امام رضا (ع) و برگزاری جلسات درس

سخنان زیادی در منابع شیعی و سنی درباره دانش گسترده امام رضا(ع) آمده است. به عنوان نمونه مؤلفی سنی، در کتاب خود به نقل از نامه ای به قلم فضل بن سهل - که در آن، حضرت را از طرف مأمون برای آمدن به خراسان دعوت کرده است - آن حضرت را چنین وصف کرده است " فرزند پیامبر مصطفی که هدایت یافته به هدایت اوست و اقتدا کننده به کردار او، حافظ دین خداست و خزانه دار وحی خدا" (رافعی، ۱۴۰۸: ۳/ ۴۲۵؛ پاکتچی، ۱۳۹۲: ۷۰). در همان نامه اشاره می شود که مأمون در بین تمام رجال از فرزندان عباس و امام علی تفحص کرد و کسی را فاضل تر، پرهیزگار تر و عالم تر از او نیافت(طبری، ۱۳۸۷: ۵۵۴/۸؛ مسکویه، ۱۳۷۹: ۱۳۱/۴؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ۴۴۱/۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۹۴/۱۰).

از دیگر فعالیت های فرهنگی امام رضا(ع) در ایران، تشکیل حوزه ی علمیه در مسجد مرو بود که حضور چشمگیر شیعیان در این حوزه را موجب گردید و مأمون دستور تعطیلی آن را صادر کرد. شیخ صلوق می نویسد: امام رضا(ع) نزد مأمون رفت و با ناراحتی و صلابت به وی گفت: "از خلوند حق مصطفی، مرتضی و سیده النساء العالمین را طلب می کنم چرا اینان را طرد می کنی" (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۴۸/۲؛ بابلی، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

۳-۱-۴. نشر و اصلاح احادیث

حضور امام در ایران از بنو ورود، مورد استقبال ایرانیان قرار گرفت و از همان آغاز و در مسیر حرکت، بسیاری با ایشان ملاقات کرده و از ایشان حدیث شنیدند. برخی تعداد این افراد را چند هزار نفر دانسته اند(حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۸). یکی از مشهورترین احادیث، حدیث سلسله الذهب^۱ می باشد که امام رضا (ع) در بنو ورود به خراسان آن را با ذکر سلسله اسناد از پدر و

^۱. "لا إله إلا الله حصنی فمن دخله أمن من عذابی".

اجدادش و به طور مستقیم بر مردم خواند. حدیث سلسله الذهب - که از سوی امام رضا(ع) برای جمع بزرگی از طالبان حدیث در طی سفر آن حضرت به سوی خراسان خوانده شد و به عنوان حدیث قدسی به نقل از پیامبر از خداوند متعال بود- این مضمون را حمل می کرد: کلمه "لا اله الا الله" دژ من است و هر کس بدان در آید از عذاب من ایمن خواهد بود(ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲/ ۱۴۱ به بعد؛ قس: پاکتچی، ۱۳۹۲: ۱۸۳). در منابع زیدی آمده است که افرادی چون یحیی بن یحیی، اسحاق بن راهویه، محمد بن رافع و احمد بن حرب در شهر نیشابور به دور حضرت حلقه زده و ابن راهویه ایشان را به حق پدران طاهریش قسم داد تا حدیثی را برای آنان روایت کنند(نک: حل الاشکال فی سند فقه الاثمه الال، بی تا: ۸۸؛ قس: میرحسینی، ۱۳۹۲: ۳۶۹). از این رو می توان امام رضا(ع) را اولین فرد از اهل بیت دانست که روایات و احادیث پیامبر و اجدادش را بدون هیچ واسطه ای برای ایرانیان نقل کرد. (برای اطلاع بیشتر از روایت حدیث به وسیله امام رضا(ع) از پیامبر و اجدادش نک: ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۱۶).

۳-۱-۵. گفتمان وحدت، گفتمان امامت

مدتها پس از رحلت پیامبر(ص) و با ورود امام رضا(ع) به ایران یکبار دیگر همه مسلمانان با عقاید و افکار مختلف، به گرد فردی از اهل بیت جمع شدند(جهت اطلاع از نقش امام رضا(ع) در وحدت فرقه های اسلامی نک: دهقان پور و بیات(۱۳۹۶)، ۳۳۰-۳۱۰). بر اساس حدیث سلسله الذهب، شعار لا اله الا الله که شعار مرکزی دین اسلام است، می تواند به عنوان یک عامل مهم وحدت بخش میان مسلمانان ایفای نقش کند و هر آن کس که بر این شعار پایبند باشد در قلعه این امت قرار می گیرد و از عذاب ایمن است(پاکتچی، ۱۳۹۲: ۱۸۴-۱۸۳).

امامت، دومین گفتمان مطرح امام رضا(ع)، نخستین مسأله بحث برانگیز و اختلاف آفرین تاریخ اسلام بود. این مسأله پس از رحلت پیامبر دسته بندی ها و انشعاب هایی را در اسلام موجب شد و بعدتر نیز باعث تقسیم و تفکیک فرقه ها به گرایش های مختلف گردید. در مسند الامام الرضا(ع) حدود پانصد حدیث در فصل الامامه آمده که این حجم حدیث در این موضوع حیرت انگیز است. شاید مبالغه نباشد که گفته شود مهمترین مبحث مبتلا به عصر ایشان مسأله امامت بوده که علاوه بر شواهد ذکر شده، دلیل مهم دیگری نیز در آن دخیل بود و آن مطرح شدن حق اهل بیت برای خلافت بود که مأمون ظاهرا به آن گردن نهاده بود و حضرت رضا(ع) نیز به

تلویح و تصریح از آن سخن می گفت (کمپانی زارع، ۱۳۸۷: ۴۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۵۸/۲). از این رو می توان تلاش های امام رضا(ع) و شاگردان و شیعیان ایشان و مهاجران دوره حضور ایشان در ایران را به عنوان دوره ای مهم و تأثیر گذار از گسترش تشیع در ایران و به عنوان حلقه ای مفقوده در بررسی سیر گسترش اسلام، به ویژه با قرائت شیعی، در بین ایرانیان مطرح کرد(نک: دهقان پور، ۱۳۹۶: ۳۱۰-۳۳۰). برخی از مستشرقین گروه ایرانیان به اسلام را در پایان دوره اموی و آغاز دوره عباسی حدود ۸ درصد می دانند(بولت، ۱۳۶۴: ۴۶-۴۵). این ادعا و نظریه تا حدود زیادی با واقعیت های تاریخی مطابقت دارد. حدود دویست سال بعد و در اواسط قرن چهارم هجری این آمار به حدود ۴۰ درصد می رسد. چه عامل یا عواملی باعث رشد فزاینده گروه ایرانیان به اسلام در دوره حدوداً دویست ساله بود؟

نگارنده این سطور بر آن است که می توان هجرت و ولیعهدی امام رضا(ع) و مهاجرت های گسترده علویان به دنبال آن در این دوره را در کنار فعالیت های دیگر فرق اسلامی(برای اطلاع از فعالیت های شافعی مذهب در ایران قرنهای اولیه نک: یوسفی، ۱۳۸۹: صفحات متعدد) به عنوان یکی از علل رشد فزاینده اسلام پذیری ایرانیان در دوره عباسی مطرح کرد.

۴. نظریه "طبقات خاصه و عامه ایرانی" در گروه ایرانیان به اسلام

در ادامه پژوهش حاضر، نگارنده به منظور توضیح بیشتر چگونگی تأثیر مهاجرت علویان بر تحولات فرهنگی، نظریه "طبقات خاصه و عامه" در گروه ایرانیان به اسلام را ارائه و به تبیین آن می پردازد. با این توضیح که گروه ایرانیان در دوره اموی و حتی اوایل عباسی، بیشتر طبقات خاصه اجتماعی و فرهنگی و نخبگان و منتسبان به دستگاه خلافت و تعدادی محدود از موالی را در بر می گرفت؛ از این رو حدود ۸ درصد(بولت، ۱۳۶۴: همان) جامعه و آن هم بیشتر مناطق شهری را شامل می شد. حال آنکه در دوره عباسی با انتصاب امام رضا(ع) به مقام ولیعهدی، و به دنبال مهاجرت سادات و علویان - که ایرانیان حساب آنان را از اعراب جدا می کردند- ورق برگشت و به نفع جریان اسلام پذیری ایرانیان رقم خورد. با حضور علویان در ایران و مهاجرت بیشتر آنان به مناطق دور افتاده و غیر شهری، اسلام در بین طبقه عامه و غیر خواص نیز نفوذ یافت و بیشتر سطح جامعه آن روز را در بر گرفت. از این رو، حدود دویست سال بعد از قیام عباسیان حدود ۴۰ درصد ایرانیان مسلمان بودند(بولت، همان). در توضیح بیشتر این ادعا باید گفت در دوره اموی، اسلام؛ بیشتر، طبقات بالا و به عبارتی نخبگان جامعه آن روز ایران را در بر

می گرفت اما با حضور امام رضا(ع) و مهاجرت علویان و پراکنده شدن آنان در جای جای این سرزمین، و در ادامه با حضور دیگر علویان زیدی، اسماعیلی و ... در مناطق مختلف، اسلام در بین طبقات عامه جامعه نیز رسوخ کرد. به عبارت دیگر شاید بتوان دوره اموی را به عنوان دوره "پذیرش صوری"^۱ اسلام، و دوره عباسی، و به ویژه دوره مورد نظر این پژوهش، را به عنوان دوره "گروش اجتماعی"^۲ نودینان مطرح کرد.

نتیجه

سیاست مذهبی خلفای عباسی(اعم از تهدید یا فرصت) زمینه ساز حضور مهاجران علوی به ایران بود. مهاجرت افراد و گروههای مختلف به ایران، بستر لازم برای فعالیت های فرهنگی و اجتماعی را فراهم ساخت و در مواردی آنان را بر پیگیری فعالیت های سیاسی حتی برای تشکیل دولت شیعی در ایران توانا ساخت. با سیاست های تهدید آمیز منصور و متوکل، علویان ناچار به جلای وطن و مهاجرت به دیگر سرزمین ها شدند و برخی دیگر همچون مأمون در ابتدا با فراخوانی امام رضا(ع) به ایران و در ادامه با فراهم ساختن بستر سیاسی، زمینه ساز تغییرات و تحولات فرهنگی گردید.

در بحث از علویان مهاجر از قرن سوم هجری به بعد مهاجرت و ولیعهدی امام رضا(ع) را هم به لحاظ تاریخی و هم از جهت اهمیت، باید به عنوان محور و منشأ مهاجرت بسیاری از علویان به ایران دانست. این مهاجرتها را می توان به دو دسته مهاجرت های به همراه امام رضا(ع)، و مهاجرت های پس از هجرت تقسیم کرد. همراهان امام را بیشتر یاران و صحابه ایشان تشکیل می دادند و مهاجران پس از ولیعهدی؛ افراد و گروههایی از خانواده امام رضا(ع) و افرادی با گرایش امامی و زیدی، و در اواخر قرن سوم هجری مهاجران اسماعیلی مذهب بودند. امام رضا(ع) و دیگر مهاجران، پس از حضور در ایران با انجام فعالیت های متعدد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی منشأ اثرات بسیاری برای ایرانیان شدند. امام رضا(ع) پس از حضور در ایران از بستر سیاسی فراهم شده به وسیله مأمون بهره جست. ایشان با ایجاد وحدت در بین فرقه ها و

۱. پذیرش صوری به معنای ادای کلمه شهادت(نک: بولت، ۳۷).

۲. گروش اجتماعی به معنای حرکت از یک جامعه با دینی معین به جامعه دیگر است(همانجا).

گرایش های مختلف اسلامی (اعم از شیعه و سنی) و ضمن مطرح کردن گفتمان امامت و انجام فعالیت های متعدد فرهنگی و ... ، گسترش اسلام با قرائت شیعی در این سرزمین را تسریع بخشید. ولیعهدی و هجرت امام رضا(ع) به ایران و به دنبال آن مهاجرت تعداد بی شمار علویان به ایران؛ خواص و عوام جامعه را با قرائت شیعی از اسلام بیش از پیش آشنا کرد و اسلام برای اولین بار به بعضی از دورترین نقاط این سرزمین راه یافت. از این رو دوره مورد نظر این پژوهش را می توان دوره ای مهم و سرنوشت ساز از جهت مطالعه گسترش اسلام در بین ایرانیان، خواه نخبگان و طبقات بالای جامعه و خواه توده مردم شهرها و روستاها، دانست. از این رو می توان تلاش های امام رضا(ع) و شاگردان و شیعیان ایشان و مهاجران در دوره حضور در ایران و بعدتر راه، به عنوان دوره ای مهم و تأثیر گذار از گسترش تشیع در ایران و به عنوان حلقه ای مفقوده در بررسی سیر گسترش اسلام در بین ایرانیان و اسلام با قرائت شیعی مطرح کرد.

منابع

* قرآن.

- آملی، اولیاء الله (۱۳۴۸)، **تاریخ رویان**، محقق، منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵)، **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دار صادر - دار بیروت.
- ابن اسفندیار (بی تا)، **تاریخ طبرستان**، تصحیح عباس اقبال، به اهتمام محمد رمضانی، بی جا، چاپخانه مجلس.
- ابن بابویه (۱۴۰۴)، **عیون اخبار الرضا (ع)**، تصحیح و تعلیق و تقدیم شیخ حسین الاعلمی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، **المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک**، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط الأولى، ۱۴۱۲/۱۹۹۲.
- ابن طباطبا علوی اصفهانی، ابراهیم بن ناصر، **منتقله الطالبیه**، قم، انتشارات المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۷.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (بی تا)، **مقاتل الطالبیین**، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دار المعرفه.
- احمدی، عبدالهادی (۱۳۷۱)، "نقش شیعیان کوفه در دوره امام رضا و امام جواد علیهما السلام"، مشکوه، شماره ۳۵، ۱۴۸-۱۲۷.
- بابلی، کورش، "نقش امام رضا علیه السلام در فرهنگ و تمدن تشیع و ایران"، پیام، زمستان ۸۸، شماره ۹۸، ۱۳۲-۱۵۱.
- بخاری، ابونصر سهل بن عبدالله، **سر السلسله العلویه**، النجف، الحیدریه، ۱۳۸۱.
- برتران بدیع، احمد (۱۳۷۶)، **فرهنگ و سیاست**، ترجمه احمد نقیب زاده، نشر دادگستر.
- برقی، احمد بن ابی عبدالله (۱۳۴۲)، **رجال**، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، **جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران گفتارهایی در جامعه شناسی سیاسی**، موسسه نشر علوم نوین.
- بولت، ریچارد. و (۱۳۶۴)، **گروثس به اسلام در قرون میانه** پژوهشی نوین در تاریخ اجتماعی اسلام، ترجمه محمد حسین وقار، تهران، نشر تاریخ ایران.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۲) "جایگاه امت واحده در آموزه های امام رضا (ع)"، **مجموعه مقالات (۲ جلدی) ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (ع)**، سرپرست علمی احمد پاکتچی، به اهتمام مرتضی سلمان نژاد، تهران دانشگاه امام صادق، ۱۶۹/۱-۲۰۰.

- جعفریان، رسول (۱۳۸۶)، **تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی**، رسول جعفریان، نشر علم، تهران.
- حاکم نیشابوری، ابو عبد الله (۱۳۷۵)، **تاریخ نیشابور**، تهران، آگه.
- حسینی، سید جواد (۱۴۳۳)، **امام رضا علیه السلام الگوی دانشوران**، مبلغان، شماره ۱۵۷، ۳۰-۴۰.
- **حل الاشکال فی سند فقه الائمه الال (بی تا)**، به کوشش عبدالوهاب بن صلاح بن علی، نسخه عکسی دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- خدایی اصفهانی، اکرم (۱۳۸۴)، **"نشر آثار فرهنگی به وسیله شاگردان امام رضا (ع) در ایران"**، معرفت، شماره ۹۵، ۴۶-۵۴.
- رشید الدین همدانی، فضل الله (۱۳۸۱)، **جامع التواریخ، اسماعیلیان و فاطمیان**، محقق و مصحح محمد تقی دانش پژوه و محمد مدرسی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- دهقان پور، زهره و علی بیات (۱۳۹۹)، **اعراب مسلمان در ایران (۲)**، مبیله، دانشگاه مبیله.
- دهقان پور، زهره (۱۳۹۶)، **"وحدت فکری فرقه های اسلامی بر مبنای عقلانیت دینی در سیره رضوی"**، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی عقلانیت در سیره رضوی، ۳۱۰-۳۳۰.
- رابینو، ه. ل (۱۳۳۶)، **سفرنامه مازندران و استرآباد**، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۰۸)، **التدوین فی أخبار قزوین**، محقق و مصحح عزیز الله عطاردی قوچانی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- رحمان ستایش، محمد کاظم (۱۳۹۲)، **"نیم نگاهی به راویان امام رضا (ع)"**، مجموعه مقالات (۲ جلدی) **ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (ع)**، سرپرست علمی احمد پاکتچی، به اهتمام مرتضی سلمان نژاد، تهران: دانشگاه امام صادق، ۳۳/۱-۷۹.
- سپهری، مهدی (۱۳۹۲)، **"اخلاق و نظام اخلاقی در مکتب علی بن موسی الرضا (ع)"**، مجموعه مقالات (۲ جلدی) **ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (ع)**، سرپرست علمی احمد پاکتچی، به اهتمام مرتضی سلمان نژاد، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۲۹/۲-۱۴۳.
- ساشادینا، عبدالعزیز (۱۳۸۰)، **"جایگاه امام رضا علیه السلام در بینش غرب"**، (گروه مطالعات دینی دانشگاه ویرجینیا)، ترجمه محمد تقی اکبری، مشکوه، شماره ۷۲-۷۳، ۸۳-۸۶.
- سپنجی، امیر عبدالرضا و نفیسه مومن دوست (۱۳۹۰)، **"اقناع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم (ع): مروری بر مناظرات مکتوب حضرت امام رضا (ع)"**، دو فصلنامه علمی- پژوهشی دین و ارتباطات، سال هجدهم، شماره دوم، پیاپی ۴۰، ۱۱۷-۱۴۴.

۱۰۶ سخن تاریخ / سال چهاردهم، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹

- شوشتری، نوراله (۱۳۷۵)، *مجالس المومنین*، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- ضیغم زیدی، سیدعلی (۱۳۹۰)، " *مناظره و ویژگی های مناظرات امام رضا علیه السلام* "، پیام مبلغ، شماره ۶، ۱۵۹ - ۱۹۰.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷)، *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية.
- طبسی، محسن، " *کرامات امام رضا (ع) به روایات اهل سنت* "، فرهنگ کوثر، ۱۳۸۶، ۷۱، ۱۰۳ - ۹۳.
- طبسی، محمد حسن، " *امام رضا به روایت اهل سنت* "، علوم قران و حدیث، فرهنگ کوثر، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۷۲، ۶۷ - ۷۸.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵)، *رجال (البواب)*، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المقدسه.
- عبیدلی نسابه، *تهذیب الانساب و نهاییه الاعقاب*، تحقیق شیخ محمد کاظم محمودی، اشراف: سید محمود مرعشی، قم، مکتبه مرعشی نجفی، ۱۴۱۳.
- علوی عمری نسابه، علی بن محمد بن علی بن محمد، *المجدی فی انساب الطالبین*، تحقیق احمد مهدوی دامغانی، قم، نشر مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹.
- عطاردی، عزیز الله (۱۴۰۶)، *مسند امام رضا (ع)*، تجمیع و ترتیب شیخ عزیزالله عطاردی خوشانی، المؤتمر العالمی الامام الرضا (ع).
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱)، *تاریخ قم*، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران، توس.
- قندوزی (۱۴۱۶)، *ینابیع الموده لذوی القربی*، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، چ ۱، دارالاسوه للطباعه و النشر.
- کمپانی زارع، مهدی (۱۳۸۷)، " *امامت در مکتب عالم آل محمد (ص) (سیری در بیانات امام رضا (ع) در مساله امامت)* "، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۳۲، ۴۲ - ۴۷.
- کمپانی زارع، مهدی (۱۳۸۹)، " *مناظره امام رضا (ع) با عمران صابی* "، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۵۹، ۵۴ - ۵۸.
- المتوکل علی الله (۲۰۰۳)، احمد بن سلیمان، *حقائق المعرفه فی علم الکلام*، صنعاء، موسسه امام زید بن علی، صنعاء: موسسه الامام زید بن علی الثقافیه.
- مجلسی (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت، موسسه الوفاء.
- مجیدی، حسن (۱۳۹۲) " *تحلیل گفتمان مناظره های امام رضا (ع)* "، فرهنگ رضوی، سال اول، شماره ۲، ۹ - ۴۰.

- مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین بن علی (۱۴۰۹)، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهمجره، چ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸) **خدمات متقابل اسلام و ایران**، تهران، انتشارات صدرا.
- مسکویه رازی، ابوعلی، **تجارب الأمم**، تحقیق ابو القاسم امامی، تهران، سروش، ۱۳۷۹ش.
- میرحسینی، یحیی (۱۳۹۲ الف)، **"امام رضا(ع) در میراث زیدیه"**، مجموعه مقالات ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا(ع) (۲جلدی)، سرپرست علمی احمد پاکتچی، به اهتمام مرتضی سلمان نژاد، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۳۵۱-۳۸۳/۲.
- میرحسینی، یحیی (۱۳۹۲ ب)، **"امام رضا (ع) و جریان های داخلی امامیه"**، مجموعه مقالات ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (ع)، سرپرست علمی احمد پاکتچی، به اهتمام مرتضی سلمان نژاد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۲۰۱/۱ - ۲۳۹.
- میرحسینی، یحیی (۱۳۹۲ ج)، **"تعامل امام رضا (ع) با مهم ترین جریان های فکری - کلامی غیر شیعی"**، مجموعه مقالات ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (ع)، سرپرست علمی احمد پاکتچی، به اهتمام مرتضی سلمان نژاد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۳۲۱-۳۴۹/۲.
- میرحسینی، یحیی (۱۳۹۲ د)، **"مناسبات دوسویه امام رضا (ع) و جریان های زیدیه"**، مجموعه مقالات ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (ع)، سرپرست علمی احمد پاکتچی، به اهتمام مرتضی سلمان نژاد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۳۸۵-۴۰۷/۲.
- میرخانی (۲۵۳۷) **سیر حدیث در اسلام**، بی جا.
- نجاشی، (۱۴۱۶) **رجال**، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه،
- نجف، مهدی، (۱۴۰۹) **الجامع لرواه و اصحاب الامام الرضا علیه السلام**، قم، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن واضح (بی تا)، **تاریخ**، بیروت، دارصادر.
- یوسفی، عثمان (۱۳۸۹) **پراکندگی و گسترش مذهب فقهی امام شافعی تا پایان قرن پنجم هجری: مبانی و زیر ساختها** (رساله دکتری)، دانشگاه تهران، گروه فقه شافعی.